

ارائه الگوی فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور

حسن کریمخانی^۱

ابوالقاسم دلخوش کسمایی*^۲

معصومه اولادیان^۳

چکیده

هدف تحقیق ارائه الگوی فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور است. روش تحقیق برحسب هدف، بنیادی-کاربردی؛ به روش آمیخته (کیفی-کمی) و برحسب روش گردآوری داده ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه ی آماری در بخش کیفی شامل کلیه خبرگان حوزه خط مشی گذاری و مدیریت آموزشی و در بخش کمی شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه های دولتی و غیردولتی استان تهران ۸۲۵ در نظر گرفته شد که در بخش کیفی ۱۲ نفر بعنوان نمونه و در بخش کمی ۲۶۲ نفر بر اساس فرمول کوکران در نظر گرفته شد. به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از دو روش مطالعات اسنادی و میدانی استفاده شد و ابزار گردآوری داده ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته فرآیند خط مشی گذاری در نظام آموزش عالی استفاده گردید. برای تحلیل داده های گردآوری شده بخش کیفی از کدگذاری باز-محوری-گزینشی و برای تحلیل بخش کمی داده ها نیز از نرم افزار آماری Smart PLS جهت انجام تحلیل عاملی استفاده شد.

یافته تحقیق نشان داد که مولفه های فرآیند خط مشی گذاری در نظام آموزش عالی عبارتند از: توجه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، توجه بر نظارت و ارزیابی در تدوین خط مشی، دستیابی به فرصت های آموزشی، رشد ارزشهای اخلاقی، توزیع برابر عدالت اجتماعی، کنترل تعارضات اجتماعی- فرهنگی، توجه بر بالندگی افراد، حمایت علمی نخبگان، توزیع مناسب اعتبارات، توسعه فرهنگی، تجهیز امکانات آموزشی، بهبود روابط ساختاری، توسعه علمی، توسعه اقتصادی، کنترل مسائل سیاسی و حزبی در تدوین خط مشی، توسعه سیاسی، همخوان بودن خط مشی با واقعیات، استفاده از سیاستگذاران توانمند، توسعه اجتماعی، حمایت دولتی و در نهایت حمایت سازمانی. همچنین شاخص های برازندگی نشان داد که مدل ارائه شده از برازش مناسب برخوردار است.

واژگان کلیدی: خطی مشی گذاری، نظام آموزش عالی، آموزش

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران. Hassankarimkhani@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی، گروه مدیریت، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران. Adkasmaie@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی، گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران. m.oladian@yahoo.com

مقدمه

آموزش عالی ایران، چه در پاسخ به تقاضای رو به افزایش اجتماعی و چه به اقتضای ماکول شدن بیش از پیش هر گونه برنامه توسعه به دانایی، به طور فزاینده ای به سمت نرخ بالایی از رشد کمی سوق یافته است. در حالی که این روند توسعه، هفتمند نبوده و این افزایش پرشتاب فاقد زیرساخت های کالبدی و علمی و فنی لازم و سایر تدارکات و تجهیزات متناسب و متناظر با رشد کمی دانشجویان بوده است (آذر و همکاران، ۱۳۹۷: ۳).

بسیاری از صاحب نظران علت اساسی شکاف ها و ناکارآمدی نظام آموزش عالی ایران را نبود الگویی کارآمد جهت مدیریت و بهینه سازی آموزش عالی کشور می دانند؛ به واقع معتقدند در آموزش عالی ایران، ساختاری کارآمد و نهادی ملی و واجد صلاحیت های حرفه ای لازم برای هماهنگ سازی و پشتیبانی به وجود نیامده، گویی که اساسا ابعاد اصلی الگوی سیستمی توسعه سازمانی دانشگاه شکل نگرفته است، همچنین اطلاعات روز آمد و کارآمدی برای پایش ملی و پیگیری وضعیت آموزش عالی وجود ندارد و ساختارهای موجود در سیستم آموزش عالی از کفایت لازم برای پیشبرد توسعه سازمانی برخوردار نیستند (بزرگ نژاد و شریف زاده، ۱۳۹۵: ۱۵).

در همین خصوص، به نظر می رسد برنامه های ارائه شده برای توسعه آموزش عالی به هدف مورد نظر دست پیدا نکرده اند. این گونه برنامه ها که از نوعی کلیت برخوردار هستند، بر خلاف ساختار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چند وظیفه ای هستند و برای اجرا به وحدت و اتفاق بین چند ساختار وظیفه ای نیاز دارند. بنابراین نوعی تعارض بین ساختار کلان نظام آموزش عالی و ویژگی های برنامه های توسعه، اهداف و محیط اجرای آن وجود دارد. با این حال، از دو دهه گذشته تا کنون، توسعه آموزش عالی در برنامه های پنج ساله سوم و چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی بیش از پیش مورد توجه واقع شده است. افزایش تعداد دانشگاه ها، افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو، تاسیس رشته های جدید، تدوین و تصویب قوانین جدید در جهت تحول آموزش از جمله اقدامات در این حوزه می باشد. با وجود همه این اقدامات و رخدادهای، به نظر می رسد مسائل و چالش های متعددی وجود دارد که کارایی و موفقیت نظام آموزش عالی ایران در انجام دادن مأموریت اصلی خود به خصوص در ارتباط با فرآیند پرورش هنجارهای دانشگاهی و اشاعه آن در محیط های علمی و جامعه پذیری دانشگاهی دانش آموختگان و تربیت کنشگران علمی و دانشمندان را تحت تاثیر قرار می دهد (نوروزی زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱۴).

از جمله مسائل دیگری که توسعه آموزش عالی کشور و تحقق برنامه های مرتبط با آن را با چالش های جدی رو به رو کرده است عبارتند از: پایین بودن سرمایه گذاری ها و تخصیص منابع لازم در حیطه پژوهش و تحقیق دانشگاهی به نسبت رشد اقتصادی سالانه کشور (طبق گزارش بند ۲۶ قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کشور می بایست ۳ درصد تولید ناخالص داخلی به امر پژوهش اختصاص یابد. در حالی که تنها ۰/۷ درصد درآمد ناخالص کشور در این سال به پژوهش اختصاص یافت)، عدم شکل گیری یا شکل گیری ضعیف و پراکنده اجتماع علمی در برخی رشته های دانشگاهی، نامطلوب بودن وضعیت ساختار اجتماعی اجتماعی - علمی و تعاملات درون دانشگاهی شامل ارتباط استاد، دانشجو، فضای دانشگاهی و تعاملات علمی، بحران کمیت و کمبود اعضاء هیات علمی و کادر آموزشی و تسلط آموزش بر پژوهش در دانشگاه ها، مشکل در

عاملیت انسان و ساختارهای توسعه علمی، رضایت شغلی پایین استادان دانشگاه‌ها، پایین بودن بهره‌وری علمی و ضعف در تولید دانش و در نهایت پایین بودن رتبه علمی دانشگاه‌های ایران در مقایسه با بعضی از کشورهای رقیب در منطقه و آسیا همانند ترکیه، هند، مالزی، کره جنوبی، سنگاپور و سهم ناچیز ایران در تولید علم جهانی. البته، در سالهای اخیر آخرین آمار منتشر شده از سوی پایگاه‌های مهم استنادی جهان در مورد تولید مقالات علمی و پژوهشی در سال ۲۰۱۱ از ارتقاء رتبه ایران خبر می‌دهد و براساس آمار آی‌اس‌آی، ایران در تولید مقالات علمی در سال ۲۰۱۱ بالاتر از ترکیه قرار گرفته است و آمارهای ارائه شده از سوی دو پایگاه آی‌اس‌آی و اسکوپوس ۱ در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهند که ایران با انتشار ۳۱ هزار و ۲۰۴ مقاله و سهم ۱/۴۶ درصدی از تولید علم جهان را به خود اختصاص داده و با دو پله صعود بالاتر از کشور ترکیه در رتبه ۱۷ قرار گرفته است و این در حالی است که کشور ترکیه بعد از ایران و رتبه ۱۹ را برای تولید مقالات علمی و پژوهشی به خود اختصاص داده است. در این شرایط اگر آموزش عالی می‌خواهد از تغییرات عظیم و سریع محیطی عقب نماند و کارآمدی، معناداری و استمرار بقای خود را از دست ندهد بایستی در خود و محیطش تغییرات هدفمند و معناداری را لحاظ کند. در غیر اینصورت تمایز ماهوی و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کارکردی خود را از دست خواهد داد و مضمحل خواهد شد و حتی اگر بنا به ملاحظات سیاسی و پشتیبانی دولتی نیز باقی بماند دچار کژکارکردی خواهد شد، حالتی که هم اکنون در بخش‌هایی از آموزش عالی ایران قابل مشاهده است (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۷).

چالش‌ها و آسیب‌های ذکر شده را می‌توان دلیلی بر؛ عدم تناسب برنامه‌ها و الگوهای توسعه‌ای به کار گرفته شده در حوزه آموزش عالی و یا فقدان مدلی همگون با واقعیت‌های موجود و شرایط بومی و فرهنگی کشور از یک سو و رشد روزافزون کیفیت آموزش عالی در دنیا از سوی دیگر، دانست. در شرایط فعلی یکی از مهمترین مسایل پیش روی آموزش عالی در تمام دنیا، فرآیند مستمر بهسازی و باز مهندسی ساختارها و برنامه‌ها است. از سوی دیگر شکاف میان انتظارات اجتماعی و دستاوردهای آموزش عالی، مرتب در حال افزایش و رهبران سیاسی و متولیات آموزشی در کشورهای مختلف از شکست‌های عینی و ملموس در حوزه آموزش نگران می‌باشند. از این رو آموزش عالی برای برخورداری از ساختاری کارآمدتر و قابلیت بالاتر، همچنین دستیابی به کیفیت بهتر و نوسازی مستمر، نیازمند الگویی منتخب و موفق برای توسعه و برنامه‌ریزی راهبردی خود است.

بحث در موضوع بهبود و ارتقاء کیفیت آموزشی، خصوصاً در دانشگاه‌ها کاری است دشوار زیرا در این مسیر بایستی عوامل متعددی را مورد بررسی قرار داد. دستیابی به مواردی که بتواند به ارتقاء کیفیت آموزشی کمک نماید، نیازمند تغییرات اساسی در سیستم آموزش عالی و آموزش و پرورش می‌باشد. جهت ایجاد این تغییرات باید به عوامل مهمی مانند برنامه‌ریزی دقیق، اعتبارات و زمان توجه کرد. نظام آموزش عالی کشور، علیرغم توانایی‌های بالقوه فراوان مانند وجود منابع غنی فرهنگی، نیروی انسانی و علمی، دارای برخی نارسایی‌های بنیادی است. تقاضای روزافزون جوانان برای ورود به دانشگاه‌ها، کاستی‌های آموزش متوسطه، محدودیت منابع مالی، محدودیت بازار کار برای فارغ‌التحصیلان، عدم توجه به

پژوهش، مدرک گرایی، پایین بودن منزلت علم و عالم از جمله مشکلات نظام آموزش عالی کشور می باشد (امیدی، ۱۳۹۸: ۹۶).

مدل سیاست‌گذاری در آموزش عالی ایران، بیش از اینکه از سپهر دانش اجتماعی و پژوهش های مستقل میدانی و مدل‌های تبیین و توضیح علی و علمی نشأت می گیرد، برآمده از ایدئولوژی رسمی است، بیش از حد سیاسی و کمتر عقلانی و اجتماعی است. روشهای شهودی و گرایش های جناحی معمولاً در قالب های سنتی و هیبتی بر ساختارهای بوروکراتیک سیاست‌گذاری غالب می شوند و سایه می اندازند. مدارهای باز و پویای کافی برای بحث و نقادی آزاد و «محدود نشده» در حوزه عمومی و تفکر گفتگویی نهادینه نشده است تا انتظار داشته باشیم که بتوانند دریچه های دستورگذاری در نظام سیاست آموزش عالی را بدرستی بگشایند و ایده ها و جستارهای مورد نیاز جامعه را وارد مسیرهای سیاست‌گذاری بکنند. تدابیر و تمهیدات مؤثر نظام مند و قانونمندی در حد کفایت وجود ندارد که نهادهای مدنی و صنفی و علمی، سازمانهای حرفه ای و پژوهشی مستقل، انجمن های تخصصی و شبکه های اجتماعی به صورت غیر دولتی و غیر بوروکراتیک و پویا قادر و مایل باشند در فرایندهای سیاست‌گذاری نفوذ بکنند و آن را به طور مؤثر تحت تأثیر قرار بدهند (نجف بیگی، ۱۳۹۴: ۲۶).

یکی از اصلی ترین دغدغه های تصمیم گیرندگان آموزش عالی در سال های اخیر، اندیشیدن تدابیری برای بهبود کیفیت آموزش و استفاده از ظرفیت های دانشجویان جلوگیری از مهاجرت دانش آموختگان و استفاده از آنها در جهت پیشرفت کشور بوده است. اما قضیه به همین جا ختم نشده و نظام آموزش عالی ما، در طول سالیان اخیر، هدفی فراتر از این را برای خود در نظر گرفته و آن، عبارت است از اینکه نه فقط با ترمیم نقصها و مشکلات نظام آموزشی، مانع مهاجرت دانشجویان و دانش آموختگان به خارج شویم، بلکه پا را فراتر گذاشته و خود، به یکی از کشورهای نخبه پذیر دنیا تبدیل شویم، به طوری که دانشجویان سایر کشورها بتوانند به دانشگاه های ایرانی مراجعه کرده و مشغول به تحصیل شوند، و به این ترتیب، دانشگاه های ما در آینده نزدیک به دانشگاه های بین المللی تبدیل شوند (باقری و پورعزت، ۱۳۹۷: ۶۶).

مراکز آموزش عالی به سازمان های اجتماعی مهمی تبدیل شده اند که در توسعه همه جانبه و پایدار کشور ها نقش عمده ایفا می نمایند. رسالت و ماموریت دانشگاه ها به عنوان سازمان یادگیرنده تأثیر به سزایی بر تصمیم گیری های خرد و کلان دولتی در کوتاه مدت و بلند مدت ایفا می کند زیرا محصول دانشگاه ها بر دانش، بینش، ویژگی ها و رفتار دانش آموختگان - به عنوان مدیران و تصمیم گیرنده گان حال و آینده کشور - تأثیر گذار است. بدیهی است که رسیدن به این افق و چشم انداز، به نوعی همه جانبه نگری نیاز دارد که در آن، نخست برای حل مشکلات دانشگاهی چاره ای اندیشیده شده باشد. چرا که مشکلات مربوط به سرفصلهای درسی در رشته های مختلف، نسبت استاد به دانشجو، امکانات کم پژوهشی و ... تحقق بین المللی سازی دانشگاهها، چندان منطقی و واقع بینانه به نظر نمی رسد. نظام آموزش عالی به منظور دستیابی به این مهم باید سیاست ها و خط مشی های مناسبی را در زمینه های آموزشی و پژوهشی در عرصه دانشگاه ها و دیگر مؤسسات آموزش عالی اتخاذ و عملیاتی کند. اتخاذ چنین سیاست هایی مستلزم آن است که نظام آموزش عالی ضمن برخورداری از شیوه ها و الگوی مناسب خط مشی گذاری در سطوح عالی تصمیم گیری، هم به استانداردهای علمی و هم اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه توجه و اظهار نظر نماید. بنابراین ارائه یک مدل مناسب همراه با نگاهی آسیب شناسانه به فرایندهای خط مشی گذاری جاری در نظام آموزش عالی کشور ضروری است. در زمینه خط مشی گذاری

تحقیقات بسیاری چه در داخل و چه در خارج از کشور صورت گرفته است که به اختصار به بررسی نتایج برخی اشاره می‌شود:

لوبینسکی (۲۰۱۸) در تحقیقی تحت عنوان شبکه‌های سیاسی و مدل‌های بازار برای آموزش تعدادی از رویکردهای بررسی چگونگی انتقال خط‌مشی‌ها از طریق شبکه‌های حمایت از حقوق، با تمرکز بر مسائل آموزشی به‌طور کلی و سیاست‌های مبتنی بر بازار به‌ویژه مورد بررسی قرار داد. در حالی که سیاست‌گذاران و تامین‌کنندگان خصوصی شواهدی در مورد اثربخشی مداخلات پیشنهادی در زمینه آموزش ارائه می‌دهند، کاملاً معلوم نیست که خودشان شواهدی را در ارتقاء سیاست‌های خاص در نظر می‌گیرند. در عوض، همانطور که در طرح‌های سیاست‌گذاری برای اصلاحات مبتنی بر بازار ظاهر می‌شود، اغلب تحقیقات دقیق نیست که سیاست‌ها را ارتقاء دهند، بلکه حمایتی موثر است. در واقع، شواهد نشان می‌دهد که زیرساخت‌های تولید سریع و انتشار داده‌ها از طریق سازمان‌های حمایتی و شبکه‌ها، اغلب به مفهوم و یا تولید مدارک جایگزین تبدیل شده است.

تانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی «ویژگی‌های اصلی اقتصاد زیر بنای یک نظام آموزشی مناسب» ضمن ارائه تعریفی جامع از منابع آموزشی اذعان داشتند که کیفیت آموزش به عنوان اصلی‌ترین کارکرد نظام آموزشی باید دارای خصوصیات تسهیل‌کننده نظام آموزشی باشد که این خصوصیات عبارتند از: وجود مدیران مسئول، اراده سیاسی، ابعاد هنجاری و مداخله‌گران متعادل. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که مسئولین نظام آموزشی در راستای رسیدن به خصوصیات مذکور استراتژی‌های لازم را بیابند و به کار گیرند.

بزرگ‌نژاد و شریف‌زاده (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان مطالعه و بررسی تاثیر اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی کشور با توجه به ارزیابی برنامه‌های سوم و چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بر عملکرد وزارت علوم و تحقیقات و فناوری بیان داشتند که هدف این پژوهش مطالعه و بررسی خط‌مشی‌های احراز شده در برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه در زمینه آموزش عالی با تاکید بر تاثیر این خط‌مشی‌ها بر عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها، عملکرد وزارت علوم و میزان تحقیق هر یک از خط‌مشی‌ها و اهداف مرتبط با هر یک از سه برنامه و در نهایت ارائه الگویی با توجه به تجربیات پیشین برای فرایند تحقق اجرای خط‌مشی‌های توسعه علم و فناوری برنامه ششم توسعه می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۰ نفر از متخصصان و متولیان و برنامه‌ریزان فعال در زمینه آموزش عالی و ساختار دولتی تصمیم‌گیرنده در باب خط‌مشی‌های آموزش عالی و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی استفاده شده است. در نتایج تحقیق بر این نکات تاکید می‌شود که «کیفیت‌مداری در آموزش عالی» به عنوان مقوله محوری اجرای خط‌مشی‌های توسعه علم و فناوری بر مبنای شرایط علمی در جامعه محقق می‌شوند. «توسعه متوازن درون‌دادها و برون‌دادهای نظام علم و فناوری» شامل پیامدهای تلاش برای اجرای خط‌مشی‌های توسعه علم و فناوری با در نظر گرفتن «زیرساخت‌های مالی و انسانی» (به عنوان زمینه الگو) طراحی و تبیین شده و منجر به تحقق پیامدها یا «تحقق خط‌مشی‌های علم و فناوری» می‌شوند.

بطور کلی خط مشی آموزشی شامل اصول و سیاست های دولت در حوزه های آموزش و همچنین مجموعه ای از قوانین و مقرراتی است که سیستم های آموزشی را مدیریت می کنند، یا به سادگی می توان گفت که یک سیاست آموزشی یک بیانیه ای است که به روز می شود یا مجموعه ای از اظهارات که توضیح، پیشنهاد یا حذف یک دوره اقدامات یا اقداماتی را که برای اجرای نظام آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد. (استراثوس، ۱، ۲۰۱۷).

یافته های بررسی های صورت گرفته توسط محققان نشان می دهد که دانشگاه ها از گسترش سیستم آموزش عالی ارائه شده توسط دولت پشتیبانی می کنند، اما دانشگاه ها مخالف بسیاری از پیشنهادات خاص دولت هستند و در کل نمی توانند در برابر دولت مقابله کنند چرا که دانشگاه ها نمی توانند مستقیم در حوزه خط مشی های دولت دخالت کنند و رسالت اصلی آنها توسعه سیاست های آموزش عالی می باشد و برای این منظور از مدل های سیستم های خط مشی گذاری عمومی آموزشی، برای تعامل با دولت بهره می برند (کارسون، ۲، ۲۰۱۶).

خط مشی گذاری در چارچوب ژرف نگرانه مدیریتی به مثابه مدیریت کلان و ملی است که دربرگیرنده برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی طرح های گوناگون، در حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، برای دستیابی به اهداف متنوع در جغرافیای هدف می باشد. خط مشی گذاری یک عمل حرفه ای است که پای خود را از حوزه مدیریت علوم اجتماعی و علوم سیاسی فراتر گذاشته و در حال پیوند زدن مدیریت علوم اجتماعی و سیاسی است و به میدان و عرصه ای برای رقابت سیاستمداران و تبدیل هر کدام با فنون و مهارت های جدید در تلاش اند، خط مشی گذاری به حرفه ای تبدیل شده که نیازمند مجموعه ای از فنون و تخصص هاست. (عباسی و بیگی، ۱۳۹۵: ۷۳).

خط مشی ها ابزارهایی هستند که در دست دولت و برای تغییر استفاده می شوند و برای ایجاد تغییر در آموزش، خط مشی گذاران آموزشی مسئول این امر هستند. خط مشی گذاران نقش بسیار مهمی در نظام آموزشی ایفا می کنند، چرا که هر مولفه در سیستم بر اساس تصمیمات آنها اجرا می شود. نقش سازنده خط مشی گذاری شامل نظارت بر اندازه محیط آموزش، اندازه کلاس های آموزشی، خصوصی سازی، آموزش، آموزش معلم و اساتید و صدور گواهینامه، پرداخت، روش های تدریس، محتوای برنامه درسی، نیازهای فارغ التحصیلی، سرمایه گذاری زیربنایی است (سانتوش، ۳، ۲۰۱۴).

از اهداف خط مشی گذاری آموزشی افزایش کیفیت آموزش می باشد در واقع خط مشی گذاران آموزشی دریافته اند که ضعف کیفیت، هزینه سنگینی در پی دارد و قابلیت رقابت را به خطر می اندازد. در نتیجه دانشگاه هایی که تحرک جدی و سریعی در ارتقای کیفی خود نداشته باشند، نه تنها خود را نابود می کنند بلکه خسارت جبران ناپذیری نیز به جامعه جوان و نیازمند پیشرفت کشور وارد می آورند. نداشتن درک و شناخت درست دست اندرکاران عالی آموزش از واقعیات جامعه، تصویر غیر دقیق و غلطی را ترسیم می کند که موجب می شود اهداف و منافع مردم، به درستی تأمین نشود. دانش مدیریت و مطالعات مبتنی بر واقعیات خط مشی گذاران و رهبران دانشگاهی، راهگشای حل بسیاری از معضلات و ضعف هاست (باقری و پور عزت، ۱۳۹۷).

1. Strauss
2. Carsson
3. Santosh

بی‌شک قوانین نقش انکارناپذیری در شکل‌گیری خط‌مشی‌گذاری دارند. قوانین از آنجا که تا حدودی خط‌مشی را روشن می‌کنند در عین حال می‌توانند تا حدودی منشأ ابهام باشند. یکی از دلایلی که موجب می‌شود قوانین مانعی بر سر راه خط‌مشی‌گذاری شوند کارشناسانه نبودن قوانین است. به این صورت که کسانی که به وضع قوانین می‌پردازند آگاهی کامل ندارند. خط‌مشی‌گذاری همانگونه که تحت تأثیر عوامل درون‌سازمانی است از عوامل برون‌سازمانی هم تأثیر می‌پذیرد. بدون اصلاح این عوامل نمی‌توانیم به خط‌مشی‌گذاری مطلوبی دست یابیم. بنابراین بهتر است خط‌مشی‌ها، چارچوب‌ها، تصمیم‌ها، محدودیت‌ها و قالب‌ها و دریک کلام، قوانین به گونه‌ای تنظیم شوند که کمترین مشکل را برای تفسیر و اجرا داشته باشند. با وجود قوانین، اصول و خط‌مشی‌های روشن و مشخص، خط‌مشی‌گذاران آموزشی نیز بهتر می‌توانند برنامه‌های خود را تهیه و اجرا کنند (داوری و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

با ضرورت روزافزون نیاز به خط‌مشی‌گذاری در مراکز آموزشی نظام عالی باید تمامی ارگان‌ها و سازمان‌های وابسته با همکاری هم در این زمینه قدم بردارند و هر کدام نقشی را بر عهده گیرند. آموزش عالی یکی از پرارزش‌ترین منابع برای پیشرفت و توسعه جوامع و از اثربخش‌ترین سازوکارهای هر کشور برای مقابله با چالش‌های قرن حاضر است. نظام آموزش عالی به منظور دستیابی به این مهم باید سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسبی را در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی در عرصه دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات آموزش عالی اتخاذ و عملیاتی کند. اتخاذ چنین سیاست‌هایی مستلزم آن است که نظام آموزش عالی ضمن برخورداری از شیوه‌ها و الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری در سطوح عالی تصمیم‌گیری، هم به استانداردهای علمی و هم اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه توجه و امعان‌نظر نماید. بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده، اهمیت و ضرورت ارائه یک مدل مناسب جهت فرایندهای خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور مشهود است. لذا هدف از پژوهش حاضر، ارائه الگوی فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور است. بنابراین تحقیق حاضر درصدد یافتن پاسخ برای این پرسش است که الگوی مناسب جهت بهبود فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی چه می‌باشد؟

روش پژوهش

با توجه به این که هدف پژوهش حاضر طراحی ارائه الگوی فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور (مطالعه موردی: دانشکده‌های علوم تربیتی استان تهران) است، بنابراین روش این تحقیق از نظر هدف کاربردی است، چون نتایج حاصل از آن می‌تواند مورد استفاده ذینفعان تصمیم‌گیرنده قرار گیرد. لذا به روش اکتشافی انجام شده است و نحوه گردآوری داده‌ها به روش آمیخته (کمی و کیفی) صورت گرفته است و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه با خبرگان با انجام مصاحبه‌های تخصصی به روش دلفی، و پرسشنامه می‌باشد. ابتدا برای شناسایی مولفه‌های فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور در دانشکده‌های علوم تربیتی استان تهران، از طریق مطالعه و بررسی ادبیات، تحلیل مدارک علمی موجود در این زمینه صورت گرفته است. سپس به بررسی اهمیت هر یک از مولفه‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته به اعتباریابی پرداخته شده است. و در نهایت براساس اطلاعات بدست آمده از قبل و از طریق پرسشنامه محقق ساخته به

ارزیابی فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور در دانشکده های علوم تربیتی استان تهران پرداخته شده است.

همانطور که بیان شد، پژوهش حاضر به صورت آمیخته (کیفی و کمی) انجام می‌گیرد. در بخش کیفی، نمونه‌گیری به صورت هدفمند انتخاب شده است. از طریق توزیع متوالی پرسشنامه محقق ساخته و جمع‌آوری و بازنگری و اصلاح آن انجام گرفته است. لذا در بخش کمی، پرسشنامه باید بین کلیه اساتید دانشگاه متخصص در فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور در دانشکده های علوم تربیتی استان تهران توزیع شود. جامعه آماری در این پژوهش عبارتست از کلیه اساتید دانشگاه متخصص در فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور در دانشکده های علوم تربیتی دولتی و غیر دولتی استان تهران در سال ۹۷-۹۸ بود که تعداد تقریبی آنها ۸۲۵ نفر برآورد شد.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از دو روش مطالعات اسنادی و میدانی استفاده شد و ابزار گردآوری داده ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی استفاده گردید..

جهت محاسبه حجم نمونه از یکی از پر کاربرد ترین روش‌ها یعنی فرمول کوکران^۱ استفاده شد. نتیجه فرمول کوکران برای محاسبه حجم نمونه در این حالت عبارتست از ۲۶۲ بود..

روایی پرسشنامه: از آن جا که محتوای پرسشنامه، مولفه هایی را نشان می‌دهد که دارای بالاترین ضریب اهمیت می باشند، با توجه به تایید سوالات توسط خبرگان، روایی محتوای پرسشنامه مورد تایید قرار گرفته است.

پایایی پرسشنامه: در ابتدا جهت انجام آزمون های آماری، جهت تأیید قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه کرونباخ آلفا محاسبه شده است. کرونباخ آلفا برای سنجش میزان تک بعدی بودن نگرش‌ها، قضاوتها و سایر مقولاتی که اندازه‌گیری آنها آسان نیست به کار می‌رود. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ضریب آلفای کل پرسشنامه طراحی الگوی فرآیند خطی‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور (مطالعه موردی: دانشکده های علوم تربیتی استان تهران) ۰/۸۹۳ می باشد که ابزار استفاده شده از پایایی مطلوبی برخوردار است.

¹ Cochran formula

یافته ها

با توجه به تحلیل مصاحبه های صورت گرفته با کارشناسان مشاهده شد که فرآیند خط مشی گذاری در نظام آموزش عالی ایران در وضعیت کنونی در ۶ حوزه کلی با نام های توجه بر مدیریت استراتژیک، چتر حمایتی، توجه بر کیفیت مداری، توجه بر زیرساخت، توجه بر توسعه همه جانبه و دستاوردهای خط مشی مورد توجه و تاکید می باشد. با تحلیل عمیق تر مفاهیم هر عامل شناسایی مشخص گردید: عامل توجه بر مدیریت استراتژیک برنامه ها خود از ۴ مفهوم استفاده از سیاستگذاران توانمند، همخوان بودن خط مشی با واقعیات، کنترل مسائل سیاسی و حزبی در تدوین خط مشی و کنترل تعارضات اجتماعی- فرهنگی تشکیل شده است. عامل چتر حمایتی خود نیز از ۳ مفهوم حمایت دولتی، حمایت علمی و نخبگان و حمایت سازمانی تشکیل شده است. سرمایه گذاری دولت، حمایت نخبگان علمی و تغییر در ساختار سازمانی موسسات آموزش عالی از عوامل حیاتی پیشرفت نظام آموزش عالی محسوب می شود. عامل توجه بر کیفیت مداری خود از ۳ مفهوم توجه بر نظارت و ارزیابی در تدوین خط مشی، توجه بر بالندگی و توجه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی تشکیل شده است. عامل توجه به زیر ساخت خود از ۳ مفهوم تجهیز امکانات آموزشی، بهبود روابط ساختاری و توزیع مناسب اعتبارات تشکیل شده است. عامل توجه بر توسعه همه جانبه خود از ۵ مفهوم توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه علمی تشکیل شده است. عامل دستاوردهای اجرای خط مشی خود از ۳ مفهوم دستیابی به فرصت های آموزشی، رشد ارزشهای اخلاقی و توزیع برابر عدالت اجتماعی تشکیل شده است جهت بررسی و تعیین مدلی مناسب برای فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور در دانشکده های علوم تربیتی استان تهران از روش تحلیل عاملی استفاده شد.

چه الگویی برای فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور در دانشکده های علوم تربیتی استان تهران مناسب می باش

جدول شماره ۱. مدل تحلیل عاملی شاخص های فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور

مؤلفه ها	بارعاملی	گویه ها (شاخص ها)	ضریب مسیر
استفاده از سیاستگذاران توانمند	۰.۸۲۳	بنظر شما سیاستگذاران تدوین خط مشی تا چه اندازه از توانایی علمی و اجرایی مناسب برخوردار هستند؟	۰.۸۸۱
	۰.۸۳۴	بنظر شما مشارکت جامعه علمی در طراحی خط مشی تا چه اندازه است؟	
	۰.۸۶۱	بنظر شما تا چه اندازه بین سیاستگذاران در طراحی خط مشی هماهنگی وجود دارد؟	
	۰.۸۷۱	بنظر شما سیاستگذاران تا چه اندازه پیشنهادات افراد متخصص و خبره سیاستگزاری را در طراحی خط مشی مورد بررسی قرار می دهند؟	
	۰.۷۸۷	بنظر شما تا چه اندازه بین گفتار و رفتار سیاستگذاران در طراحی خط مشی هماهنگی وجود دارد؟	
همخوان بودن خط	۰.۸۹۸	بنظر شما تا چه اندازه بین اهداف تدوین شده در خط مشی با واقعیت موجود و	۰.۸۹۴

	بسترهای عینی اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارتباط وجود دارد؟		مشی با واقعیات
	بنظر شما تا چه اندازه در خط مشی طراحی شده شعارگرایی مشاهده می شود؟	۰۸۸۴	
	بنظر شما تا چه اندازه قبل از تدوین خط مشی مطالعات توجیهی برنامه های توسعه انجام می شود؟	۰۸۶۰	
۰۸۹۸	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی منفعت طلبی شخصی و حزبی مشاهده می شود؟	۰۸۸۱	کنترل مسائل سیاسی و حزبی در تدوین خط مشی
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی مدیریت سیاسی به جای مدیریت علمی مشاهده می شود؟	۰۸۶۵	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی از اعمال سلیقه در تصمیمات شورایی دوری می شود؟	۰۸۸۸	
۰۹۳۱	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بین ساختار کلان نظام آموزش عالی و ویژگیهای برنامه های توسعه تعارض وجود دارد؟	۰۸۳۲	کنترل تعارضات اجتماعی- فرهنگی
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی تفکر کل گرایي و نظام مند بیش از تفکر جزءنگر مشاهده می شود؟	۰۸۶۸	
	بنظر شما تا چه اندازه دغدغه مادی سیاستگزاران و درگیری در کارهای غیر آکادمیک آنها در طراحی خط مشی تاثیر گذار است؟	۰۸۸۳	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی تمرکز تصمیم گیری در سطح کلان وجود دارد؟	۰۸۸۵	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی چشم انداز و برنامه راهبردی در حوزه ارزشیابی کیفیت دیده نمی شود؟	۰۸۱۹	
۰۸۷۱	بنظر شما تا چه اندازه جهت اجرای خط مشی جدیت و عزم حاکمیتی دیده می شود؟	۰۸۶۳	حمایت دولتی
	بنظر شما تا چه اندازه خط مشی طراحی شده با برنامه های کلان دولتی همسو می باشد؟	۰۷۹۱	
	بنظر شما تا چه اندازه دولت با چشم اندازهای در نظر گرفته شده موجود در خط مشی همسو می باشد؟	۰۸۳۷	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی رعایت اسناد بالا دستی (مانند نقشه جامع علمی کشور) رعایت می شود؟	۰۸۸۴	
	بنظر شما تا چه اندازه بین مجلس با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تدوین و تصویب خط مشی هماهنگی وجود دارد؟	۰۸۷۴	
۰۹۲۶	بنظر شما تا چه اندازه بین اعضای جامعه علمی جهت اجرای خط مشی بینش جمعی و همگرایی وجود دارد؟	۰۸۹۱	حمایت علمی نخبگان
	بنظر شما تا چه اندازه تفکر خوشفکر بودن در بین منابع انسانی جهت اجرای خط مشی وجود دارد؟	۰۸۱۴	
۰۸۱۳	بنظر شما تا چه اندازه اجرا کنندگان خط مشی در ایجاد تیم و شکل دهی مفهوم	۰۸۲۸	حمایت سازمانی

	ما و انجام کار گروهی از توانایی لازم برخوردار هستند؟		
	بنظر شما تا چه اندازه نهادها و سازمانهای مختلف در توسعه و اجرا خط مشی با یکدیگر هماهنگ هستند؟	۰.۹۲۷	
	بنظر شما تا چه اندازه جوی مناسب برای توسعه علم و فناوری در بین نهادهای مجری خط مشی وجود دارد؟	۰.۸۷۶	
۰.۹۵۶	بنظر شما تا چه اندازه برنامه های نظارت و ارزیابی در اجرای خط مشی های کلان وجود دارد؟	۰.۸۳۰	توجه بر نظارت و ارزیابی در تدوین خط مشی
	بنظر شما تا چه اندازه در شیوه های برنامه نویسی و طراحی خط مشی الزام به بازنگری دیده می شود؟	۰.۸۰۳	
	بنظر شما تا چه اندازه ارزیابی مستمر و سالیانه از خط مشی صورت می پذیرد؟	۰.۸۴۴	
	بنظر شما تا چه اندازه از یک الگوی جامع ارزشیابی در ارزیابی خط مشی استفاده می شود؟	۰.۸۶۳	
	بنظر شما تا چه اندازه نتایج و یافته های فعالیتهای ارزشیابی در تدوین خط مشی های آتی توجه می شود؟	۰.۸۹۹	
۰.۹۳۰	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی جهت توانمند سازی خروجی های دانشگاه ها برنامه های راهبردی تدوین می شود؟	۰.۹۱۵	توجه بر بالندگی افراد
	بنظر شما تا چه اندازه در تدوین خط مشی برنامه های بالندگی کارکنان و اعضای هیات علمی در نظر گرفته می شود؟	۰.۸۹۸	
۰.۹۷۲	بنظر شما تا چه اندازه برنامه های توسعه آموزشی در خط مشی روشن و واضح می باشد؟	۰.۸۸۱	توجه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی شأن و جایگاه هیأت علمی و دانشجویان در جامعه بدرستی دیده می شود؟	۰.۸۶۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی زبان و اندیشه مشترک از مفاهیم و اصطلاحات مذکوراز جمله کیفیت وجود دارد؟	۰.۸۱۹	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بین کارکردهای مدیریتی نظام آموزش عالی ارتباط صحیح وجود دارد؟	۰.۸۴۶	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به تنوع و اصلاح کارکردهای آموزشی، پژوهشی و خدماتی توجه شده است؟	۰.۸۶۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی تحلیل هزینه - فایده در توسعه فعالیت های آموزشی بدرستی صورت می پذیرد؟	۰.۸۶۰	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی اقتدار دانشگاه در تصمیم گیری حفظ می شود؟	۰.۸۰۲	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی قوانین و مقررات توسعه و اجرا شفاف هستند؟	۰.۷۸۶	

	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی دانشگاه های توانمند از اختیارات بیشتری برخوردارند؟	۰.۸۷۴	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی توجه و تاکید بر تحقیقات بنیادی شده است؟	۰.۸۴۶	
۰.۹۱۸	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بر فراهم آوردن تجهیزات لازم جهت کاربست علم در جامعه تاکید شده است؟	۰.۸۷۵	تجهیز امکانات آموزشی
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بر توسعه فیزیکی و پروژه های عمرانی (ساخت و ساز فضاهای دانشگاهی) توجه شده است؟	۰.۹۲۵	
۰.۹۱۲	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بر ایجاد ساختار و تشکیلات لازم جهت اجرا توجه شده است؟	۰.۸۷۵	بهبود روابط ساختاری
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بر فراهم آوردن امکانات لازم جهت هماهنگی نظام آموزش عالی با نظام های دیگر توجه شده است؟	۰.۸۸۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به پایگاه های اطلاعاتی و تسهیل دسترسی به آنها تاکید شده است؟	۰.۸۷۷	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بر کاهش شکاف و فاصله بین ساختار کلان برنامه های اقتصادی و برنامه های آموزش عالی توجه شده است؟	۰.۸۴۴	
۰.۹۲۵	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بر تدارک دیدن الزامات مالی برای تحقق خط مشی توجه شده است؟	۰.۸۳۹	توزیع مناسب اعتبارات
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی بر تدوین شاخص های لازم در توزیع منابع و اعتبارات تاکید شده است؟	۰.۸۹۲	
۰.۸۹۸	بنظر شما تا چه اندازه چشم اندازه ها موجود در خط مشی بین دانشگاه با بخش های مختلف اجرایی و اقتصادی کشور توانسته است پیوند برقرار کند؟	۰.۸۸۸	توسعه اقتصادی
	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است برنامه های راهبردی جهت ارتباط موثر بین بخش صنعت و دانشگاه برقرار کند؟	۰.۸۸۲	
	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است ناهماهنگی بین دانشگاه، جامعه و بازار کار را برطرف سازد؟	۰.۸۷۵	
۰.۸۹۵	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است زمینه استفاده از پیشرفت کشورهای موفق در زمینه آموزشی را در کشور فراهم سازد؟	۰.۸۴۹	توسعه سیاسی
	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است از سیاستهای دولت متناسب با فضای سیاسی حاکم بر جامعه تبعیت کند؟	۰.۷۹۸	
	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است جهت گیری شفاف و روشنی در توسعه ملی داشته باشد؟	۰.۸۵۸	
۰.۸۷۴	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است بین هدفها، سیاستها، اقدامات اجرایی و منابع مالی و انسانی در برنامه های توسعه ارتباط منطقی برقرار کند؟	۰.۹۱۲	توسعه اجتماعی

ارائه الگوی فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور

	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است به منافع جامعه در طراحی خط مشی توجه کند؟	۰۸۹۸	
۰۹۲۴	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است استراتژیهای توسعه فرهنگی را بدرستی تبیین و طراحی نماید؟	۰۸۱۶	توسعه فرهنگی
	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است برنامه های توسعه را با شرایط محیطی انطباق دهد؟	۰۸۲۵	
	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است برنامه ریزی مناسب برای پیشرفت علم در چارچوب نظام اسلامی داشته باشد؟	۰۹۰۳	
۰۹۱۲	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است ارتباط کیفیت فعالیت های آموزشی در کنار توسعه کمی را بهبود ببخشد؟	۰۸۹۲	توسعه علمی
	بنظر شما تا چه اندازه اهداف موجود در خط مشی توانسته است بر تقویت خلاقیت نوآوری ، جستجوگری، شهامت و خطر پذیری در علم توجه داشته باشد؟	۰۷۸۸	
۰۹۴۹	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله همراه ساختن آموزش عالی کشور با پیشرفتهای جهانی توجه شده است؟	۰۸۴۱	دستیابی به فرصت های آموزشی
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله توسعه علمی و فناوری کشور توجه شده است؟	۰۸۷۷	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله دستیابی به کشوری برخوردار از دانش پیشرفته توجه شده است؟	۰۴۰۵	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله دستیابی به کشوری توانا در تولید علم و فناوری توجه شده است؟	۰۸۶۷	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله تعیین و ترسیم نقشه راه برای آینده توجه شده است؟	۰۸۶۸	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله بین المللی شدن دانشگاه ها توجه شده است؟	۰۸۸۹	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله کاهش سطوح مدیریتی جهت پاسخگویی سریع به مشکلات آموزشی توجه شده است؟	۰۸۵۴	
۰۹۴۲	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله رشد ارزش های اسلامی در کشور توجه شده است؟	۰۸۶۹	رشد ارزشهای اخلاقی
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخوردار شدن از کشوری متکی بر ارزش های انقلابی توجه شده است؟	۰۸۹۲	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخورداری از کشوری متکی بر اصول اخلاقی توجه شده است؟	۰۸۷۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخورداری از کشوری با تاکید بر ارزش های ملی توجه شده است؟	۰۸۴۷	

	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخورداری از کشوری با تاکید بر حفظ کرامت انسانها توجه شده است؟	۰.۸۷۸	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخورداری از کشوری با تاکید بر مردم سالاری دینی توجه شده است؟	۰.۸۵۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله فراهم آوردن محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی توجه شده است؟	۰.۸۶۲	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله مستحکم شدن نهادخانواده توجه شده است؟	۰.۸۶۲	
۰.۹۴۱	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله دستیابی به جامعه ای مسئولیت پذیر توجه شده است؟	۰.۸۴۸	توزیع برابر عدالت اجتماعی
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله بهره مندی از محیط زیست مطلوب توجه شده است؟	۰.۸۴۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخورداری از کشوری با تاکید بر تامین امنیت قضایی توجه شده است؟	۰.۸۳۹	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله ایجاد امنیت شغلی و ثبات کاری توجه شده است؟	۰.۷۵۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخورداری از کشوری با تاکید بر تامین امنیت اجتماعی توجه شده است؟	۰.۷۵۹	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله برخورداری از کشوری با تاکید بر تامین رفاه اقتصادی توجه شده است؟	۰.۸۳۶	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله دستیابی کشور به رفاه اجتماعی توجه شده است؟	۰.۶۵۶	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله رفع نیازهای اجتماعی، اقتصادی و علمی کشور توجه شده است؟	۰.۸۲۰	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله دستیابی به کشوری برخوردار از اقتدار داخلی و بین المللی توجه شده است؟	۰.۸۵۴	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله دستیابی به کشوری یافته متناسب با مقضیات فرهنگی توجه شده است؟	۰.۸۶۱	
	بنظر شما تا چه اندازه در طراحی خط مشی به مقوله بهبود ابعاد زیست محیطی کشور توجه شده است؟	۰.۸۵۲	

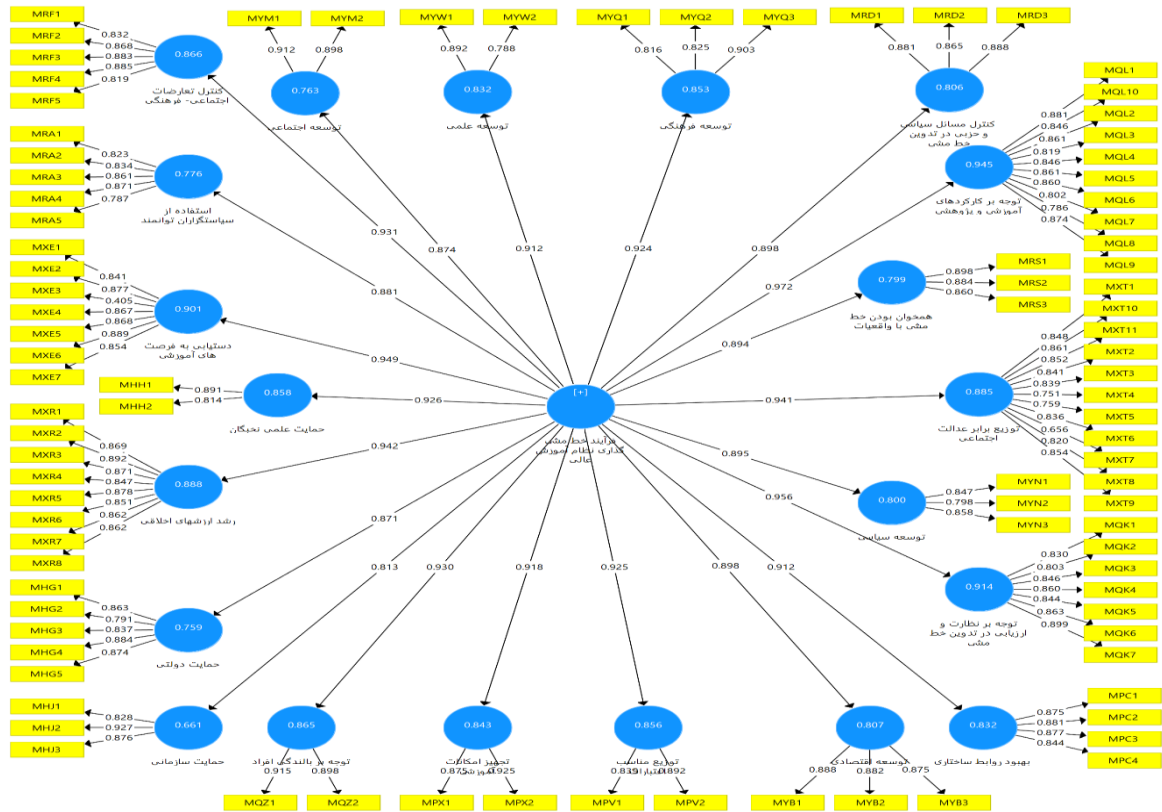
همانگونه که قبلا هم گفته شد اگر بار عاملی کمتر از ۰.۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می شود. بارعاملی بین ۰.۳ تا ۰.۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰.۶ باشد خیلی مطلوب است. (کلاین، ۱۹۹۴). در حال حاضر کلیه مولفه ها، با بارعاملی بالای ۰.۶، نشان دهنده این است که مدل «خیلی مطلوب» است. در ادامه، بارعاملی مدل به تفکیک مولفه ها در جدول ذیل آمده است:

ارائه الگوی فرآیند خطی مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور

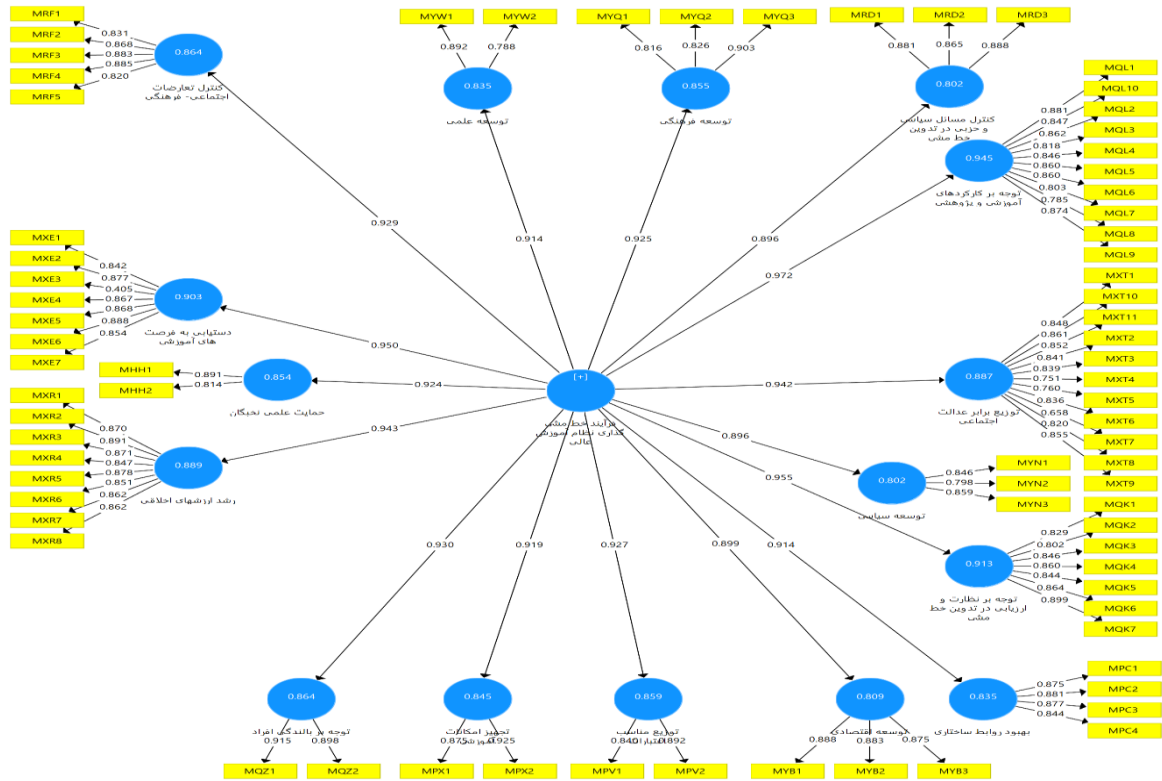
جدول شماره ۲. معناداری بارهای عاملی مولفه‌های فرآیند خطی مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور

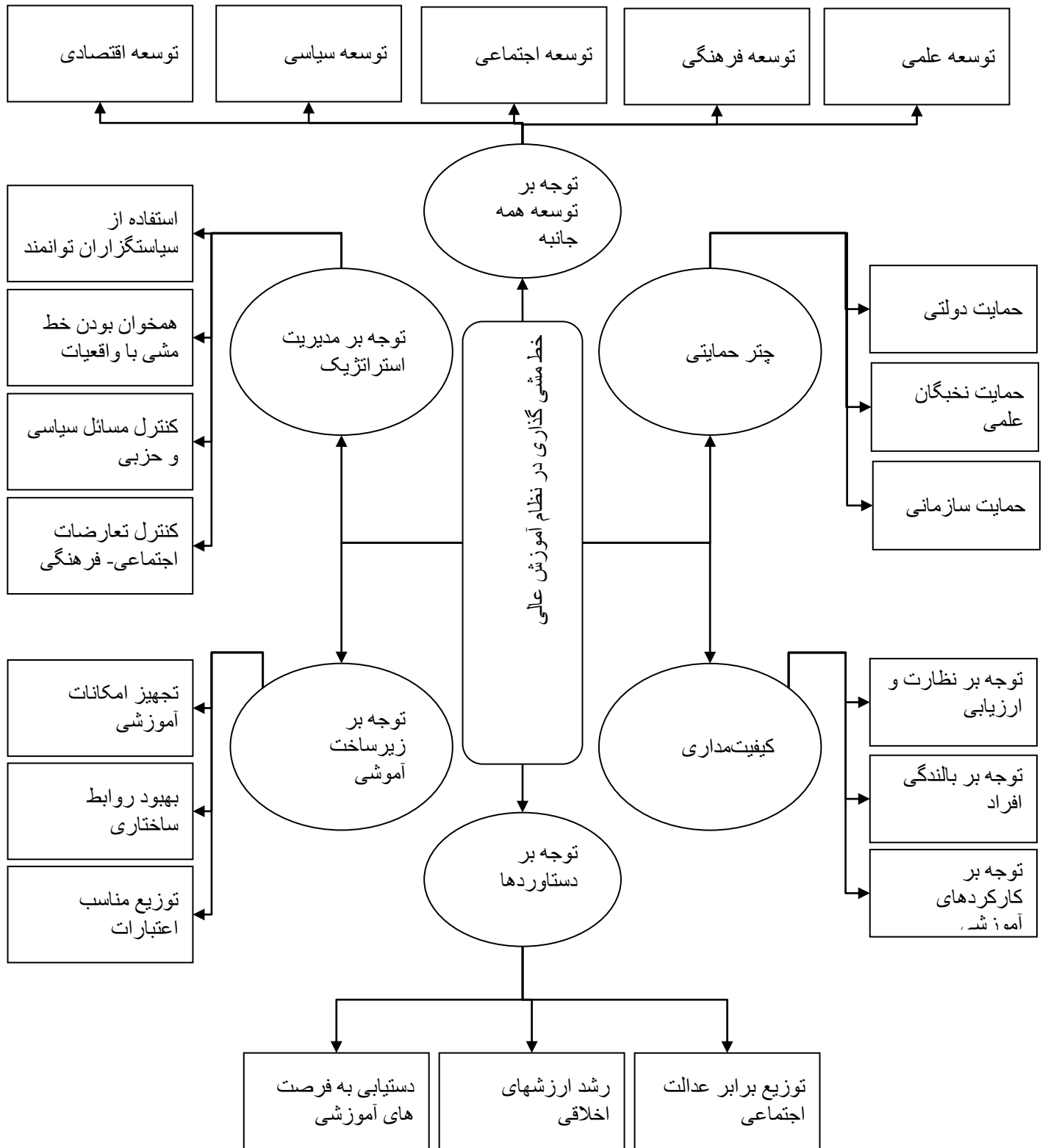
ردیف	مولفه	بارعاملی	معناداری
۱	استفاده از سیاست‌گذاران توانمند	۰.۷۷۶	
۲	همخوان بودن خط مشی با واقعیات	۰.۷۹۹	
۳	کنترل مسائل سیاسی و حزبی در تدوین خط‌مشی	۰.۸۰۶	
۴	کنترل تعارضات اجتماعی- فرهنگی	۰.۸۶۶	
۵	حمایت دولتی	۰.۷۵۹	
۶	حمایت علمی نخبگان	۰.۸۵۸	
۷	حمایت سازمانی	۰.۶۶۱	
۸	توجه بر نظارت و ارزیابی در تدوین خط مشی	۰.۹۱۴	
۹	توجه بر بالندگی افراد	۰.۸۶۵	
۱۰	توجه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی	۰.۹۴۵	
۱۱	تجهیز امکانات آموزشی	۰.۸۴۳	معنادار
۱۲	بهبود روابط ساختاری	۰.۸۳۲	
۱۳	توزیع مناسب اعتبارات	۰.۸۵۶	
۱۴	توسعه اقتصادی	۰.۸۰۷	
۱۵	توسعه سیاسی	۰.۸۰۰	
۱۶	توسعه اجتماعی	۰.۷۶۳	
۱۷	توسعه فرهنگی	۰.۸۵۳	
۱۸	توسعه علمی	۰.۸۳۲	
۱۹	دستیابی به فرصت‌های آموزشی	۰.۹۰۱	
۲۰	رشد ارزشهای اخلاقی	۰.۸۸۸	
۲۱	توزیع برابر عدالت اجتماعی	۰.۸۸۵	

شکل شماره ۱. مدل تحلیل عاملی شاخص‌های فرآیند خطی مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی کشور



شکل شماره ۲. مدل تحلیل عاملی (تائیدی مرحله دوم) شاخص های فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور با حذف بارهای عاملی کمتر از ۰.۸ (۰.۶ و ۰.۷)





شکل شماره ۳- مدل فرآیند خطی مبنای گذاری در نظام آموزش عالی کشور

جدول شماره ۳- شاخص های برآزش الگو

شاخص	دامنه قابل قبول	مدیریت استراتژیک	چتر حمایتی	توجه بر کیفیت مداری	توجه بر زیرساخت	توجه بر همه جانبه	توجه بر توسعه دستاوردها
دو خنی (X^2)	-	۳۳.۵۵	۶۱.۱۵	۳۴.۲۶	۴۹.۷۶	۳۴.۴۱	۹۶.۶۸
درجه آزادی	-	۳۵	۳۳	۳۱	۳۰	۴۰	۳۷
X^2/df	$3 \leq$	۰/۹۶	۱/۸۵	۱/۱۱	۱/۶۶	۰/۸۶	۲/۶۱
RMSEA	$0.08 \leq$	۰/۰۸۰	۰/۰۲۳	۰/۱۲۹	۰/۰۵۷	۰/۰۸۰	۰/۰۱۹
RMR	$0.08 \leq$	۰/۰۲۵	۰/۰۳۶	۰/۰۲۳	۰/۰۲۲	۰/۰۳۹	۰/۰۷۱
NFI	نزدیک به ۱	۰/۸۳	۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۸۲	۰/۸۹	۰/۸۱
CFI	نزدیک به ۱	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۸۳	۰/۸۶
GFI	نزدیک به ۱	۰/۸۷	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۸۵	۰/۸۷
AGFI	نزدیک به ۱	۰/۸۹	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۸۳

در پایان لازم به توضیح است که مقدار 1 RMSEA و 2 RMR کمتر از ۰/۸، 3 GFI و 4 AGFI بالای ۰/۹۰ و نزدیک به یک، همگی نشان دهنده اعتبار مدل هستند. همه این شاخص ها از مقادیر مطلوبی برخوردارند. در الگوی حاضر مؤلفه های فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور در دانشکده های علوم تربیتی استان تهران (توجه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، توجه بر نظارت و ارزیابی در تدوین خط مشی، دستیابی به فرصت های آموزشی، رشد ارزشهای اخلاقی، توزیع برابر عدالت اجتماعی، کنترل تعارضات اجتماعی- فرهنگی، توجه بر بالندگی افراد، حمایت علمی نخبگان، توزیع مناسب اعتبارات، توسعه فرهنگی، تجهیز امکانات آموزشی، بهبود روابط ساختاری، توسعه علمی، توسعه اقتصادی، کنترل مسائل سیاسی و حزبی در تدوین خط مشی، توسعه سیاسی، همخوان بودن خط مشی با واقعیات، استفاده از سیاستگزاران توانمند، توسعه اجتماعی، حمایت دولتی و در نهایت حمایت سازمانی) به عنوان متغیرهای مشاهده شده ۱ و

¹ Root Mean Square Error of Approximation

² Root Mean Square Residual

³ Goodness of Fit Index

⁴ Adjusted Goodness of Fit Index

متغیر فرآیند خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور به عنوان متغیر مکنون ۲ در نظر گرفته شده است. شاخص های برازش الگو در تحلیل عاملی، برازش الگو را تأیید می نمایند.

بحث و نتیجه گیری

در خصوص ارائه الگوی خطی مشی گذاری در نظام آموزش عالی کشور می توان بیان نمود که توجه به آموزش عالی در برنامه های توسعه حاکی از دقت نظر مسئولان و برنامه ریزان به این مقوله مهم آموزشی- اجتماعی است که مسؤلیت تربیت نیروی انسانی متخصص را در سطوح مختلف تحصیلی بر عهده دارد. بسیاری از صاحب نظران علت اساسی شکاف ها و ناکارآمدی نظام آموزش عالی ایران را نبود الگویی کارآمد جهت مدیریت و بهینه سازی آموزش عالی کشور می دانند؛ به واقع معتقدند در آموزش عالی ایران، ساختاری کارآمد و نهادی ملی و واجد صلاحیت های حرفه ای لازم برای هماهنگ سازی و پشتیبانی به وجود نیامده، گویی که اساساً ابعاد اصلی الگوی سیستمی توسعه سازمانی دانشگاه شکل نگرفته است، همچنین اطلاعات روز آمد و کارآمدی برای پیش ملی و پیگیری وضعیت آموزش عالی وجود ندارد و ساختارهای موجود در سیستم آموزش عالی از کفایت لازم برای پیشبرد توسعه سازمانی برخوردار نیستند. در همین خصوص، به نظر می رسد برنامه های ارائه شده برای توسعه آموزش عالی به هدف مورد نظر دست پیدا نکرده اند. این گونه برنامه ها که از نوعی کلیت برخوردار هستند، بر خلاف ساختار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چند وظیفه ای هستند و برای اجرا به وحدت و اتفاق بین چند ساختار وظیفه ای نیاز دارند. بنابراین نوعی تعارض بین ساختار کلان نظام آموزش عالی و ویژگی های برنامه های توسعه، اهداف و محیط اجرای آن وجود دارد. از جمله مسائل دیگری که توسعه آموزش عالی کشور و تحقق برنامه های مرتبط با آن را با چالش های جدی رو به رو کرده است عبارتند از: پایین بودن سرمایه گذاری ها و تخصیص منابع لازم در حیطه پژوهش و تحقیق دانشگاهی به نسبت رشد اقتصادی سالانه کشور، عدم شکل گیری یا شکل گیری ضعیف و پراکنده اجتماع علمی در برخی رشته های دانشگاهی، نامطلوب بودن وضعیت ساختار اجتماعی- اجتماعی - علمی و تعاملات درون دانشگاهی شامل ارتباط استاد، دانشجو، فضای دانشگاهی و تعاملات علمی، بحران کمیت و کمبود اعضاء هیات علمی و کادر آموزشی و تسلط آموزش بر پژوهش در دانشگاه ها، مشکل در عاملیت انسان و ساختارهای توسعه علمی، رضایت شغلی پایین استادان دانشگاه ها، پایین بودن بهره وری علمی و ضعف در تولید دانش و در نهایت پایین بودن رتبه علمی دانشگاه های ایران در مقایسه با بعضی از کشورهای رقیب در منطقه و آسیا همانند ترکیه، هند، مالزی، کره جنوبی، سنگاپور و سهم ناچیز ایران در تولید علم جهانی. ضرورت نهادینه کردن تفکر و عمل برنامه ریزی با دیدگاه راهبردی و پویا برای توسعه به منظور پیدا کردن جایگاه ویژه دانشگاه در بین دانشگاه های منطقه و جهان، سازگاری با تحولات علم و فناوری روز، درک بعد مفهومی آن از سوی صاحب نظران و در بیانیه های کنفرانس های جهانی یونسکو مورد توجه و تأکید جدی قرار گرفته. بنابراین رشد و توسعه جامعه مرهون بررسی، برنامه ریزی مسائل، و مشکلات موجود و ارائه راهکارهای موجود به منظور پاسخ گویی به نیازهای جامعه است. بعد از اجرای هر برنامه، ضروری است برای بررسی عملکرد اجرایی گذشته و متغیرهای مرتبط با توجه به برنامه های اجرا شده و درک وضعیت و ابعاد مشکلات و چشم اندازهای بلند مدت اثربخشی خط مشی اجرا شده ارزیابی های جامعی صورت گیرد که دست

اندرکاران با توانمندی بیشتری بتوانند نارسایی‌های محتمل را برطرف کنند و خلا بین وضعیت مورد بررسی و اهداف پیش‌بینی شده را پر کنند و آن‌ها را به تحقق برسانند.

منابع فارسی

- آذر، عادل، غلامرضایی، داوود، دانایی فرد، حسن، خدادادحسینی، سیدحمید(۱۳۹۷)، طراحی مدل تحلیل سیاست‌های آموزش عالی کشور با استفاده از پویایی سیستم؛ مورد برنامه پنجم توسعه. سیاست علم و فناوری: تابستان ۱۳۹۷، دوره ۵، شماره ۴؛ از ص: ۱-۱۸
- امیدی، یزدان(۱۳۹۸)، لایحه اهداف، وظائف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. تهران: مجله نامه آموزش عالی، شماره ۷، ص: ۴۵-
- باقری، محمدرضا. پورعزت، علی اصغر(۱۳۹۷)، ارائه الگوی ترکیبی برای خط مشی‌گذاری در عرصه دانشگاه. تهران: فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۷۴، صفحات ۱۶۵-۱۹۹.
- بزرگ‌نژاد، عبدالرضا. شریف‌زاده، فتاح(۱۳۹۵)، مطالعه و بررسی تاثیر اجرای خط مشی‌های آموزش عالی کشور با توجه به ارزیابی برنامه‌های سوم و چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بر عملکرد وزارت علوم و تحقیقات و فناوری. تهران: پژوهش در نظام آموزشی، دوره ۱۰، شماره ۳۳، ص: ۱۵-۲۶
- دانایی فرد، حسن. شگری، زینب. فانی، علی اصغر. فروزنده، لطف‌الله(۱۳۹۵)، ارائه الگوی عوامل تاثیرگذار بر ارزشیابی کیفیت خط مشی‌های عمومی ایران. تهران: مدیریت نظامی، دوره ۱۶، شماره ۶۴، صفحات: ۴۲-۶۶
- داوری، علی. رضایی، حمیدرضا(۱۳۹۵)، نقش دولت و خط مشی‌های دولتی در توسعه کارآفرینی، تهران: فصلنامه علم مدیریت ایران، دوره ۱، شماره ۲، ص: ۴۴-
- عباسی، طیبه. بیگی، وحید(۱۳۹۵)، تبیین چالش‌های اجرای خط مشی‌های عمومی در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری. تهران: فصلنامه سیاست علم و فناوری، دوره ۸، شماره ۳، صفحات ۱-۱۲.
- عطارنیا، احمد. خنیفر، حسین. رحمتی، محمدحسین(۱۳۹۳)، بررسی وضعیت تدوین خط مشی در نظام غیررسمی آموزش مهارتی ایران، تهران: فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۲، شماره ۲، صفحات: ۳۴۵-۳۷۴.
- گودرزی، علی، آل‌رسول، سهیل و علایی پور، علی(۱۳۹۴)، مروری بر کارکردها و چالش‌های آموزش عالی، فصلنامه علمی راهبردی زیرساخت، شماره ۱، دوره ۳، ص: ۲۶-۴۷
- محمدی، مهتاب. الوانی، سیدمهدی. معمارزاده طهران، غلامرضا. انصاری رنانی، قاسم(۱۳۹۶)، طراحی مدل سه بعدی اجرای حاکمیتی خط مشی‌های عمومی، تهران: رسالت مدیریت دولتی (مدیریت دولتی)، دوره ۸، شماره ۲۶، ص: ۱۸۷-۱۹۰-۱۹۱-
- نجف بیگی، رضا (۱۳۹۴)، خط مشی‌گذاری مدیریت فرهنگی در آموزش، تهران: فصلنامه برگ فرهنگ، دوره ۱، شماره ۲۲، صفحات: ۱۰۶-۱۱۷.

- نوروزی زاده، رضا، شفیع زاده، حمید و روحانی، شادی (۱۳۹۷)، ارزیابی و تحلیل بخش علم و فناوری قانون برنامه پنجم توسعه از منظر اسناد فرادستی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶، بهار ۱۳۹۷، صص ۳۱۴

منابع انگلیسی

- Carson, David (2016). The role of universities in higher education policy-making. ETD collection for University of Nebraska – Lincoln. The International Journal of Higher Education Research, v75 n4 p675-694 Apr 2016
- Gawlicz, Katarzyna; Starnawski, Marcin (2018). Educational Policies in Central and Eastern Europe: Legacies of State Socialism, Modernization Aspirations and Challenges of Semi-Peripheral Contexts. Policy Futures in Education, v16 n4 p385-397 May 2018
- Korkmaz, M. (2016). "Analytical Report of the Educational System ", Educational Research Quarterly, 1, p: 57
- Lo, William. Yat Wai (2017). The Recalibration of Neoliberalisation: Repoliticising Higher Education Policy in Hong Kong. Higher Education: The International Journal of Higher Education Research, v73 n5 p759-773 May 2017
- Lubienski, Christopher (2018). The Critical Challenge: Policy Networks and Market Models for Education. Policy Futures in Education, v16 n2 p156-168 Feb 2018
- Santosh, Bhaskar K (2014). How Can Policy Makers Better Understand 21st Century Education?. Contributing my works in "India Vision 2020". Former EdTech Blogger/Researcher at ETR India
- Silberglit, Richard, David R. Howell, and Anny Wong (2016). Factors Affecting University Development the Global Technology, In –Depth Analyses, santamonica, CA: RAND National Security Research Division.
- Soldado, Myria (2015). A set of standards for assessing the educational system and evaluating the current situation in Spain, journal citation: southern – communication –journal, vol41, n3.
- Strauss, Valerie (2017). Analysis why it's a big problem that so many teachers quit — and what to do about it. Washington Post. ISSN 0190-8286. Retrieved.
- Tong, David Yoon Kin. Rasiah, Devinaga (2016). The main features of the economy underpin a proper educational system. Organizational Behavior. Vol: 5, issue: 2.